

چگونگی کارکرد اقتصاد در دنیای واقعی

کندوکاوی در رکود اقتصادی آمریکا

نویسنده: گرگ ایب

مترجم: محمد حسین حکیمیان

با مقدمه‌ای از محمد ال‌ایران

انتشارات سازمان مدیریت صنعتی

۱۳۹۰

سرشناسه	: ایپ، گرگ، ۱۹۶۴ - م. Ip, Greg
عنوان و نام پدیدآور	: کتدوگاوی در رکورد اقتصادی آمریکا: چگونگی کارکرد اقتصاد در دنیای واقعی / نویسنده گرگ ایپ ؛ با مقدمه‌ای از محمد ال‌اریان ؛ مترجم محمدحسین حکیمیان.
مشخصات نشر	: تهران : سازمان مدیریت صنعتی ، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ص.
شابک	: ۴۵۰۰۰ ریال ۳-۰۰۱-۲۷۵-۶۰۰-۹۷۸:
یادداشت	: عنوان اصلی: The little book of economics : how the economy works in the real world
یادداشت	: واژه‌نامه.
موضوع	: اقتصاد
موضوع	: ایالات متحده — اوضاع اقتصادی
شناسه افزوده	: ارین، محمد، ۱۹۵۸ - م.، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	: El-Erian, Mohamed A. ۱۹۵۸ - م.
شناسه افزوده	: حکیمیان، محمدحسین، ۱۳۲۸ - ، مترجم
شناسه افزوده	: سازمان مدیریت صنعتی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ک۹/الف/۱۰۳ HC
رده بندی دیویی	: ۳۳۰/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۶۵۸۶۲



سازمان مدیریت صنعتی
انتشارات

مترجم: محمد حسین حکیمیان

چگونگی کارکرد اقتصاد در دنیای واقعی کندوکاوی در رکود اقتصادی آمریکا

ناشر: سازمان مدیریت صنعتی

مسئول اجرا: مجید فاضل‌نیا

آماده‌سازی: الهه ترانا

تایپ و صفحه‌آرایی: معصومه مظاهری مقدم

چاپ نخست: ۱۳۹۰ / شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لینوگرافی و چاپ: اسری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۵-۰۰۱-۳ / ISBN: 978-600-275-001-3

ناشر: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی - تهران، خیابان ولی عصر، نبش خیابان جام جم، ساختمان آموزش سازمان مدیریت صنعتی

www.bookstore.imi.ir

تلفن: ۲۲۰۴۳۰۰۵ داخلی ۳۶۴

هو کزو پخش: پخش مهربان: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان لیاقتی نژاد، پلاک ۱۸۹، تلفن: ۶۶۹۷۳۱۷۵ - ۶

۴۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۷
مقدمه مترجم.....	۹
پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه مؤلف.....	۱۹
فصل اول: رازهای موفقیت / چگونه افراد سرمایه و ایده‌ها کشورها را ثروتمند می‌سازند.....	۲۳
فصل دوم: نوسانات اقتصادی / سیکل‌های تجاری، رکود و کساد.....	۳۵
فصل سوم: تعقیب و پیش‌بینی سیکل تجاری / از فراز تا نشیب.....	۴۳
فصل چهارم: اشتغال، بیکاری و دستمزدها.....	۵۱
فصل پنجم: تورم و ضد تورم، سهم برای سلامت اقتصادی.....	۶۱
فصل ششم: جهانی شدن این جا است چه آماده باشیم چه نباشیم.....	۷۵
فصل هفتم: متحد کردن بازارهای جهانی.....	۸۷
فصل هشتم: تلاش روسای جمهور آمریکا برای کنترل اقتصاد.....	۹۷
فصل نهم: قدرت حیرت‌انگیز فدرال رزرو برای چاپ و نابود کردن پول.....	۱۰۵
فصل دهم: حرفه سیاست پولی و هنر ظریف نظارت فدرال رزرو.....	۱۱۱
فصل یازدهم: وام دهنده نهایی آمریکا و مدیر بحران جهانی.....	۱۲۳
فصل دوازدهم: آن چه دولت می‌دهد و بازپس می‌گیرد.....	۱۳۱
فصل سیزدهم: بدهی‌های خوب، بدهی‌های بد / چگونه استقراض دولت می‌تواند اقتصاد را نجات دهد یا نابود کند.....	۱۴۳
فصل چهاردهم: سیستم مالی دو قطبی ضروری برای رشد اقتصادی اما برخی اوقات نامعقول می‌شود.....	۱۵۵
فصل پانزدهم: دلایل متعدد و مکرر بحران‌های مالی.....	۱۶۷
واژه نامه.....	۱۷۵

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

نظام سرمایه‌داری جهانی در این تاریخ چند سده‌ای خود پیوسته دست به گریبان چالش‌های گوناگونی بوده است و هر بار با اصلاحاتی توانسته است با نیرویی پرتوان‌تر و با دورنمایی روشن‌تر به راه خود ادامه دهد. اگر چه در سطوحی بسیار متعالی‌تر، بحران جاری نظام جهانی سرمایه‌داری نیز دست کم از لحاظ آغاز خود و تلاش‌های دولت‌های بزرگ سرمایه‌داری جهانی با بحران‌های پیشین همگونی‌هایی دارد ولی این بار شاید مانند رکود بزرگ ۲۳-۱۹۲۹، بحران بسیار عمیق‌تر به نظر می‌رسد و به طور طبیعی اصلاحات عمیق‌تری را هم می‌طلبد. این کتاب گوشه‌هایی از این بحران را در قلب نظام سرمایه‌داری جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا به تصویر می‌کشد.

نویسنده این کتاب با دیدی تیز بینانه بسیاری از جنبه‌های اقتصادی آمریکا را مورد بازنگری قرار می‌دهد و می‌کوشد مشکلات ذاتی آن را آشکار سازد. دیدگاه کتاب اساساً بعد مالی دارد و در پانزده فصل نوشته شده است. مسایل تورم و بیکاری، یکپارچه شدن بازارهای جهانی، قدرت دولت‌های آمریکا برای کنترل اقتصاد، توان شکست‌انگیز فدرال رزرو برای چاپ و نابود کردن پول از جمله مسایل مهم این کتاب به شمار می‌روند. نکته جالب آن است که نویسنده استقرار دولت را شمشیری دوله می‌انگارد که هم می‌تواند اقتصاد را به نابودی بکشاند و هم آن را سروسامان دهد و در این گیرودار بسیاری از سازوکارهای ذاتی این نظام که بسته به شرایط هم می‌توانند نقطه قوت انگاشته شوند و هم نقطه ضعف، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در کتاب به زبانی تخصصی بسیاری از موضوعات، مسایل و مشکلات نظام سرمایه‌داری آمریکا (و جهان) بیان شده است و از این بابت بسیار آموزنده می‌نماید. با وجود تمام مشکلات که هنوز فروکش نکرده و همچنان زندگی میلیون‌ها شهروند آمریکایی و غیرآمریکایی را به نابودی کشانده است، کارشناسان و متخصصان آن سرزمین با دیدگاهی انتقادی، ریزترین مسایل را می‌شکافند، سیاست‌ها و گرایش‌ها را به نقد می‌کشند و می‌کوشند تا مشکلات فطری نظام اقتصادی موجود را بر همگان آشکار سازند تا دست کم بار دیگر از تکرار آن جلوگیری شود.

سازمان مدیریت صنعتی

مقدمه مترجم

بحران مالی جهان که اولین نشانه‌های آن در آمریکا ظاهر شد به سرعت به دلیل ادغام بازارهای مالی، اروپا و آسیا را دربرگرفت. برخی اقتصاددانان آثار آن را از بحران ۱۹۲۹ گسترده‌تر می‌دانند و خسارتی که دیگر کشورها از این بحران متحمل شده‌اند را بیش از ضرر و زبانی تخمین می‌زنند که به اقتصاد آمریکا وارد شده است.

فوکویاما، اقتصاددان ژاپنی، اصل آمریکا که زیان بحران مالی در جهان را ۱۴۰۰ میلیارد دلار برآورد نموده است و فردی است که پس از فروپاشی شوروی سابق در کتابی تحت عنوان پایان تاریخ، پیروزی لیبرالیسم را نوید داده بود، در مصاحبه نشریه نیوزویک ضمن اشاره به بحران اقتصادی آمریکا از پایان نظام سرمایه‌داری آمریکا و مرگ لیبرالیسم خبر داده بود. استیگلیتز اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل نیز رویدادهای سپتامبر سال ۲۰۰۸ را برای تئوری‌های نئولیبرالیسم و بازار به منزله سقوط دیوار برلین برای کمونیسم می‌داند و براین باور است که هم اکنون زمان آن رسیده است که یک سیستم مالی واحد برای اقتصاد جهانی تعریف شود، درست همانند تئوری جان مینارد کینز که در سال ۱۹۴۱ پیشنهاد داده بود که تحت آن یک واحد پولی مستقل برای انجام تجارت بین‌المللی تعریف شده بود که این تئوری هم اکنون در قرن ۲۱ می‌تواند شیوه‌ای بسیار موثر برای حل بحران اقتصادی جهان باشد. گرچه برخی اقتصاددانان، ریشه بحران مالی جهان را در تفکرات و اقدامات سال‌های گذشته، نشأت گرفته از ایده‌های مقررات‌زدایی و بازارگرایی افراطی می‌دانند که به عنوان پارادایم حاکم بر جریان اصلی اندیشه اقتصادی کنونی تبلیغ می‌شد و بنا به گفته یکی از مقامات ارشد مالی اروپایی «این نگاه رایج در آمریکا که بازار نیاز به کنترل و مقررات ندارد» باعث و بانی بحران اخیر بوده است، لیکن بعضی دیگر از اقتصاددانان، مداخلات دولت را در پائین نگه داشتن نرخ بهره علت بحران می‌دانند.

به هر حال علت بحران را چه عوامل فوق به تنهایی یا ترکیبی از آن‌ها بدانیم، چه آن را به ذات سیستم سرمایه‌داری متأثر از سیکل‌های تجاری رونق - رکود نسبت دهیم، باید پذیرفت

که بحران‌های مقطعی در آمریکا هر کدام دلایل خاص خود را دارد. به طور مثال دلیل بحران بورس در سال ۲۰۰۰ در آمریکا مربوط به خرید و فروش از طریق اینترنت و گسترش تقاضا به طور کاذب بود که در پی آن شرکت‌ها بیش از اندازه واقعی، ارزش سهام‌شان بالا رفت و با حساب‌سازی سعی در نشان دادن افزایش سودهای خود داشتند.

سرچشمه‌های بحران مالی جاری آمریکا (۲۰۰۷-۲۰۰۹) که به بخش واقعی اقتصاد و به طور مشخص در خودروساز بزرگ آمریکا یعنی جنرال موتورز و کرایسلر و بزرگ‌ترین خودروساز جهان یعنی تویوتای ژاپن سرایت کرده به طوری که با زیان سالانه مواجه شده بودند، چیست؟

اولین نشانه‌های بحران در بخش مسکن آمریکا با افزایش تعداد افرادی که حاضر به ادامه بازپرداخت وام مسکن (میزان این وام‌ها طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰، ۸۰۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است) نبودند، آشکار شد. به عبارتی ناتوانی برخی وام‌گیرندگان برای، پرداخت اقساط وام مسکن، نقطه آغاز جریانی بود که به بحران مالی فعلی انجامید.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، زمینه‌های عملی بحران فراهم شد. به دنبال وقوع آن حادثه برای کاهش بدبینی فعالان اقتصادی در اقتصاد آمریکا، فدرال رزرو اقدام به کاهش نرخ بهره کرد تا سرمایه‌گذاری تشویق شود و از حرکت به سمت رکود اجتناب شود. در دوره کلیتون نرخ بهره به حدود ۵ یا ۶ درصد رسیده بود. دولت بوش تصمیم گرفت با کاهش نرخ بهره و سیاست‌های پولی انبساطی در اقتصاد آمریکا، رونق ایجاد کند تا به تعبیری تحولی در افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اشتغال ایجاد شود. لذا تصمیم به کاهش نرخ بهره با شیب تندی از ۶ درصد به ۱ درصد اتخاذ شد. با کاهش قابل توجه نرخ بهره، بازار املاک و مستغلات آمریکا مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفت و اعتبارات زیادی به آن اختصاص یافت به طوری که شرایط جدید باعث شد تا به افراد کم اعتبار نیز وام مسکن بدون ضابطه اعطا شود. لذا تقاضای خرید مسکن بالا رفت زیرا قدرت خرید بیش‌تر شده بود. اما نکته این‌جا است که در بخش مسکن، عرضه هیچ‌گاه به سرعت تقاضا نمی‌تواند بالا برود. مسکن کالایی است که کمبود عرضه آن را نمی‌توان از خارج وارد کرد، بنابراین در عرضه آن معمولاً یک وقفه زمانی بعد از سرمایه‌گذاری به وجود می‌آید. نتیجه آن رشد سریع قیمت ساختمان و مسکن در آمریکا و شکل‌گیری حباب قیمتی در این رشته فعالیت شد. برخی واسطه‌های مالی یا بانک‌های سرمایه‌گذاری با خرید این وام‌ها و ایجاد بسته‌های مالی جدید (مشتقات مالی) آن‌ها را در بازار

بورس به فروش رساندند. مشتقات مالی به طور خلاصه قراردادهایی است که بر روی دارایی‌ها و محصولات دیگر منعقد می‌شود و به صورت ابزارهای مالی با ارزشی که ارزش آن مشتق از دارایی‌های مبنایی و شرایط قرارداد و ریسک‌های مختلف است، ایجاد می‌گردد. فرض کنید یک فرد حقیقی یا حقوقی یک پروژه اقتصادی برای خود تعریف کرده که خرید یک خانه است. این فرد برای تأمین منابع مالی مورد نیاز خود به بانک مراجعه و درخواست وام می‌کند. بخشی از منابع مورد نیاز برای خرید خانه باید آورده متقاضی باشد و بخش دیگر را بانک وام می‌دهد. مثلاً برای یک پروژه ۱۰۰ دلاری، ۹۰ دلار وام می‌دهد. برای هر بانک شمار دریافت‌کنندگان وام خرید مسکن، بسیار زیاد است و بانک‌های تجاری نیز که وام‌های بیست ساله و سی ساله مسکن عرضه می‌کنند معمولاً نمی‌خواهند بیست سال یا سی سال صبر کنند تا به تدریج منابع خود را بازدریافت نمایند. بانک‌ها، وام‌های پرداخت یا تعهد شده خود مثلاً در بخش خرید مسکن را دسته‌بندی می‌کنند و آن را نزدیک بنگاه مالی بزرگ‌تر که می‌تواند یک شرکت سرمایه‌گذاری باشد، برده و به فروش می‌رسانند. شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز اکنون قراردادی را منعقد کرده‌اند که دارایی آن را نمی‌شناسند اما به بانک‌ها اعتماد دارند و براساس آن اوراق مالی طراحی کرده و به سایر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و بانک‌های مرکزی سایر کشورها می‌فروشند و از محل این فروش، منابع لازم برای پرداخت به بانک‌ها را فراهم می‌کنند. این شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای اطمینان از رفع خطر از خود، تعهداتی را که ایجاد کرده‌اند نزد شرکت‌های بیمه برده و ارزش آن را در مقابل نوسان قیمت مسکن و یا نوسان نرخ بهره بیمه می‌کنند. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد ارزش قراردادهای منعقد شده بر روی انواع مشتقات مالی که در سال ۲۰۰۱ معادل ۱۰۰۰ میلیارد دلار بوده است در سال ۲۰۰۶ به عدد خیره‌کننده ۳۵ هزار میلیارد دلار رسیده است. بنابراین کاهش چند درصدی ارزش این دارایی‌ها صدها میلیارد دلار زیان ایجاد می‌کند.

از آن‌جا که اغلب وام‌های رهنی اعطا شده به افراد کم اعتبار با نرخ بهره قابل تعدیل یا شناور بودند با افزایش نرخ بهره، میزان نکول نیز افزایش یافت. نکول وام‌گیرندگان از بازپرداخت اقساط منجر به سلب مالکیت آن‌ها از سوی بانک و حراج آن‌ها شد که به کاهش قیمت ساختمان و مسکن دامن زد. بانک‌ها با تملیک وثیقه‌های وام‌گیرندگان بدحساب و فروش آن‌ها موجب کاهش قیمت مسکن شدند. به عبارتی عرضه مسکن نسبت به تقاضا بیش‌تر شد و این امر خود باعث شد که تعداد بیش‌تری از وام‌گیرندگان اقساط خود را نپردازند و عامدانه تن به تملیک وثیقه‌های خود از سوی بانک دهند چرا که با کاهش قیمت مسکن،

www.ketab.ir

پیشگفتار

دانش آموزی ۱۵ ساله بودم در انگلستان که با درس اقتصاد آشنا شدم. به سرعت شیفته آن شدم. در این درس موضوعاتی بود که من را با ابزارهای ارزشمند برای تفکر در مورد یک رشته مباحث، ارائه پاسخ‌هایی در خصوص اصول اولیه و طرح سوال‌هایی که مشتاق دانستن پاسخ‌های آن بودم، آشنا و تجهیز می‌کرد.

علاقه وافر من به اقتصاد شکوفا شد و هنوز ادامه دارد و هم چنان که زمان سپری می‌شود احساس ویژه‌ای دارم چرا که مباحث اقتصاد، به نظر مرتبط با موضوعات روز می‌رسد. علم اقتصاد، درک ما را از ثروت جوامع آسان می‌سازد، بسیاری از روابط متقابل روزانه بین افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها را تشریح می‌کند و راه‌هایی جهت درک روندهای سیاسی و اجتماعی شکل دهنده دنیای واقعی ما را ارائه می‌کند.

به زبان ساده، علم اقتصاد کلید درک و تجزیه و تحلیل هم آنچه محتمل است رخ دهد و هم آنچه باید رخ دهد، است. با این حال به عنوان یک موضوع علمی، به شکل مفتضحانه‌ای، بد تعبیر شده و اغلب نادیده گرفته شده است.

بسیاری براین باور هستند که علم اقتصاد بسیار پیچیده، دارای ریاضیات فراوان و بسیار پر رمز و رازدار است. برخی دیگر مزایا و منافع سرمایه‌گذاری در وقت و تلاش خود را برای سردرآوردن از موضوعی که منبع لطیفه‌های فراوان از جمله جوک‌های مربوط به ریاست جمهوری است، را به زیر سوال می‌برند و مورد تردید قرار می‌دهند. (به عنوان مثال گفته می‌شود از هری ترومن رئیس جمهور خواسته شد که یک اقتصاددانی که صریح و دقیق حرف می‌زند را نشان بدهد با توجه به اینکه معتقد بود «کلیه اقتصاددانان مشاور من دو پهلوی حرف می‌زنند: از یک طرف و از طرف دیگر».

چرا این نکات را می‌گوییم؟ به دلیل آن که به کتابی برخورده‌ام که اقتصاد را به شکل عالی قابل فهم می‌سازد و حاوی سرگرمی‌های فراوانی است (بله علم اقتصاد می‌تواند تفریح و سرگرمی باشد).

کتاب‌های قطور و حجیم اقتصاد را فراموش کنید. در عوض این کتاب را بخوانید. این کتاب به خوبی نوشته شده و بسیار گیرا و دل چسب است. به علاوه این کتاب نمی‌توانست توسط یک شخص با صلاحیت بسیار بالاتر نوشته شود و در زمان بهتری چاپ شود. گِرِگ، مولف کتاب، نظر من و همکاران حرفه‌ای من را از طریق گزارش‌ها و تحلیل‌های خود در وال استریت جورنال جلب کرد. ما مشتاقانه منتظر خواندن مقالات او در روزنامه برای شناخت تحولات اقتصادی و چشم‌انداز سیاستی بودیم.

کار گِرِگ در وال استریت جورنال و اکنون در اکونومیست بر مبنای تحقیقات دقیق و عمیق است. او از یک رشته چارچوب‌های تحلیلی صریح و قابل فهم استفاده می‌کند و در دسترس سیاستمداران و متفکران قرار می‌دهد. این تحلیل‌ها همیشه مربوط و به موقع هستند. مقالات او وسیله‌ای برای بحث‌های جالب در کمیته سرمایه‌گذاری PIMCO^۱ بوده است به طوری که همگی سعی می‌کردیم تا تحولات را بهتر درک کنیم و چشم‌انداز مشترک خود را برای اقتصاد و بازارها به تفصیل شرح دهیم.

در کتاب زیبای او، گِرِگ ما را به یک سفر هیجانی و آموزنده می‌برد. ما چندین توقف داریم به میزانی که در معرض مباحث اساسی (مثل محرک‌های رشد اقتصادی و رفاه) و موازنه‌های کم بنیه و شکنده (مثل توازن بین تورم و ضد تورم) قرار می‌گیریم. ما یاد می‌گیریم که چگونه اقدامات دولت بر اقتصاد - چه از طریق کانال مرسوم منابع دولتی و نرخ‌های بهره یا چه از طریق روابط پیچیده‌تر قوانین و مقررات و نظارت مدیران^۲ - تاثیر می‌گذارد.

کتاب، یک ترکیب شگفت‌آوری از نظرات ارائه می‌کند. ما در مقابل تجزیه و تحلیل‌های عاری از تعصب قرار می‌گیریم که شبیه نگاه کردن یک منظره از هواپیما است که در حال پرواز از یک ارتفاع ۱۰ کیلومتری در یک آسمان بی‌ابر است. همچنین با بحث‌های دقیق خرد اقتصادی سروکار داریم که گِرِگ آن را «درون کارخانه سوسیس‌سازی» می‌نامد.

همان‌طور که انتظار دارید، کتاب همچنین شامل بحث‌های لذت بخشی در مورد یکی از مباحث مورد علاقه او، تعیین طراحی و عملیات سیاست پولی است. ما با یک دیدگاه بی‌نظیر در مورد دنیای پر رمز و راز بانک مرکزی آمریکا آشنا می‌شویم، جایی که شایستگی دیوان سالارانه باید با درک سیاسی و ضرورت دآوری در مورد توازن غیر قطعی ذاتی ریسک‌ها و فرصت‌های آینده ترکیب شود.

1. Pacific Investment Management Company

2. Prudential supervision

همچنین کتاب، ما را با نمونه‌ها و مثال‌های فراوان مجهز می‌کند که چگونه این تجزیه و تحلیل‌ها برای شرکت‌ها و افراد که اکثر ما با آن‌ها آشنا هستیم، کاربرد دارد. در واقع این علم، اتفاقات فراوان دنیای واقعی و این تجزیه و تحلیل‌ها، یادآور این موضوع است که چگونه علم اقتصاد در زندگی روزمره در دنیای اطراف ما، نقش بازی می‌کند.

گیرگ کاری فراتر از یک کتاب عالی کرد. او این کار را در زمان مهمی انجام داد. امروزه اقتصاد جهانی در یک فرآیند چند ساله تنظیم مجدد پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ قرار دارد. این پدیده تاریخی، مملو از پویایی‌شناسی ناآشنا و غیر مرسوم است. این پدیده، به طو دائمی، «عقل معمول و عرفی» را زیر سوال می‌برد و به شکل کاملاً ناموزون و ناهموار به پیش می‌رود.

تعجب ندارد که علم اقتصاد به طرزی بارز و چشمگیر، سهم مهمی را در صفحات اولیه روزنامه‌های دنیا به خود اختصاص می‌دهد. در کشورهای صنعتی، گزارشات زیادی در مورد میزان و ترکیب غیرعادی بیکاری، انفجار بدنی‌های دولتی و کسری‌های بودجه و بی‌ثباتی نرخ‌های ارز، انتظار مالیات‌های بالاتر و حالت شکنندگی و آسیب‌پذیری سیستم بانکداری وجود دارد. در اقتصادهای در حال ظهور عمده، شما شاهد مقالات بسیاری در خصوص پایداری مراحل تحقق توسعه، راجع به کنترل تورم و بحاب دارایی‌ها و در مورد مقاومت در برابر فشارهای حمایت‌گرایانه از خارج وجود دارد.

گیرگ این موضوعات مهم را در یک کار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند که به مانند یک کتاب راهنما در دوران ما در خصوص علم اقتصاد عمل می‌کند. کتاب فوق‌العاده او به شما کمک می‌کند تا عوامل اقتصادی که به نحوی شگفت‌انگیز، جهان کنونی را دوباره شکل می‌دهند و تاثیر عمده‌ای بر چشم‌انداز اجتماعی و سیاسی دارند، شناسایی و درک کنید. کتاب، موضوعات کلیدی را به شکلی جذاب و لذت بخش به شما معرفی می‌کند. حتی به نظر می‌رسد فرد کهنه‌کاری مثل من با یادگیری و یادگیری مجدد جنبه‌های حیاتی این رشته جالب و جذاب سروکار پیدا خواهد کرد.

امید دارم که شما هم مثل من از خواندن این کتاب لذت ببرید. خواندن آن برای آنانی که می‌خواهند درک کنند دنیای امروزی برای آن‌ها، فرزندان آن‌ها و نوه‌های آن‌ها چه در پیش خواهد داشت، ضروری است.

محمد ال اریان

مقدمه مولف

در تابستان سال ۲۰۰۹، روی جلد مجله اکونومیست تصویر یک کتاب اقتصاد را نشان می‌داد که درون چاله‌ای ذوب می‌شد. در زیر آن این عبارت نوشته شده بود: «از میان حباب‌های اقتصادی که سوراخ شده است، تعداد کمی از آن‌ها به شکل دیدنی‌تری از علم اقتصاد ترکیده است، به عبارتی وجهه علم اقتصاد بیش‌تر زیر سوال رفته است.»

در همان تاریخ، پال کروگمن^۱، اقتصاددان برنده جایزه نوبل که گسیختگی اقتصاد جهانی را بررسی می‌کرد اظهار داشت که اکثر مطالب اقتصاد کلان - که به بررسی کل اقتصاد جامعه می‌پردازد - در طی سی سال گذشته در بهترین حالت به شکل چشمگیری بی‌فایده و در بدترین حالت اگر با نگرش مثبت بنگریم زیان‌آور بوده است.

برای آنانی که شغل‌شان بررسی اقتصاد است، سال‌های گذشته، سال‌های آزمون تحت فشار و سختی بوده است. درست چند سال پیش، ظاهراً ما اقتصاد را درک کرده بودیم. رشد یکنواخت و تورم پایین حاکم بود و رکودهای عمیق مربوط به گذشته بود. مانند سیستم لوله‌کشی حمام، اقتصاد جامعه، چیزی بود که مردم به آن فکر نمی‌کردند چون که به خوبی کار می‌کرد. چه کسی می‌توانست مردمی را مقصر بداند که بر اقتصاد ما نظارت داشتند مثل بانکداران مرکزی به خاطر اندک خودبین و از خودراضی بودن‌شان.

ما هم اکنون بدترین بحران و عمیق‌ترین رکود را از دهه ۱۹۳۰ شاهد هستیم و قدرت مداخله بی‌سابقه دولت، مهار خود را از دست داده است. بانک‌های مرکزی از میان گلوله‌های نرخ بهره به نیزه‌های پولی خود می‌رسند، بحران‌های بدهی به آرامی به کشورهای غنی و فقیر نزدیک می‌شود، ترس از تورم در کنار ترس از ضد تورم، لبخند از چهره‌های کارشناسان محو شده است. بی‌تفاوتی دولت به اقتصاد، جای خود را به سرپایا توجه با مقداری ترس داده است. باوجود چنین اقتصاد جهانی متلاطم و دلواپس کننده، توضیح و تشریح واضح از آن‌چه در

حال رخ دادن است، حیاتی می‌نماید. با این حال اکثر مردم، علم اقتصاد را علمی با زبان نامفهوم و اعداد و ارقام خشک می‌دانند. این کتاب، راه حل را ارائه می‌نماید. گفتن داستان اقتصاد ما طی ۲۰ سال گذشته از جمله ملزومات و ابزار کار من بوده است. در روزنامه‌های کانادا، بعد در وال استریت جورنال و حال در اکونومیست، من بازارها را مورد بررسی قرار داده‌ام، با کارگران صحبت کرده و از کسب و کارها دیدن کرده‌ام و بانکداران مرکزی را شناخته‌ام. سپس به خوانندگان و شنوندگان به زبان صریح و ساده توضیح داده‌ام که در اقتصاد چه می‌گذرد، چرا و چگونه بر آنها تاثیر می‌گذارد.

من زمانی که بچه بودم با اقتصاد آشنا شدم. مادر من، یک اقتصاددان تجربی - حال بازنشسته - لذت می‌برد از این که سعی می‌کرد آنچه را که راجع به علم مایوس کننده^۱ (علم اقتصاد) می‌دانست در تربیت چهار فرزند خود به کار برد. باید تنها بچه‌هایی در شهر بوده باشیم که مقرری هفتگی خود را در ارتباط با تورم دریافت می‌کردیم. من درس اقتصاد را در کالج گذراندم هر چند که قصد نداشتم درباره آن چیزی بنویسم. فقط می‌خواستم در صورتی که روزنامه‌نگاری نتیجه نمی‌داد، آن را کنار بگذارم. درست پس از کالج به یک روزنامه متعلق به مرکز شهر ملحق شدم که مرا برای شیفث شب مسئول مقالات مربوط به سیاست محلی، جرم و بزهکاری و امثال آن نمود، مسئولیت‌هایی که هرگز چیزی از آن در نیامد. قسمت کسب و کار، جای خالی زیادی در ساعت‌های عادی داشت، لذا به آن جا منتقل شدم. به زودی شروع کردم راجع به اقتصاد و بازارها با عشق و علاقه بنویسم.

در این فرآیند، شکاف عمیقی بین علم اقتصادی که در کالج تدریس می‌شد و دنیای واقعی یافتیم. متون درسی راجع به عرضه پول حرف می‌زنند اما به نظر می‌رسد بانک‌های مرکزی آن را نادیده می‌گیرند. سوال‌های ساده‌ای مثل «میزان بدهی ملی چقدر است؟» جواب‌ها را بغرنج و دشوار کرده است. من راجع به سیاست‌های مالی چیزهایی یاد گرفتم اما نه در مورد بحران‌های بدهی.

در نتیجه من این کتاب را با درس‌هایی از آن نوع که در ذهن داشتم، نوشتم. این یک کتاب برای اقتصاددانان دارای درجه دکترا نیست بلکه کتابی برای شهروندان و سرمایه‌گذاران است. من، مفاهیم اصلی را با ذکر نمونه‌هایی از زندگی واقعی و مقایسه‌هایی بین آن‌ها تشریح کرده‌ام و عوامل پشت اخبار و رویدادهای دو سال گذشته را نشان داده‌ام. من زبان نامفهوم و

غیر جذاب را به کناری نهادم. اما البته در دنیای علم اقتصاد با زبان تخصصی و نامفهوم برمی‌خورید، لذا من شما را در اکثر فصل‌ها با قسمتی تحت عنوان «درون جعبه سیاه» آماده کرده‌ام. معنای عبارت «درون جعبه سیاه» از نظر من، دل و روده داخلی اقتصاد یعنی داده‌ها، افراد و زبان قلنبه‌سلبه است. از این قسمت‌ها تترسید. این قسمت‌ها مقدمات کاملی برای کسانی است که می‌خواهند جزئیات بحث بازارها و اقتصاد را دنبال کنند. در نهایت من همه چیز را در هر فصل تحت عنوان «نتیجه‌گیری» خلاصه کرده‌ام. اگر چیزی را در فصل نخوانید، این قسمت را بخوانید. این قسمت، اصول و جوهره بحث را در چند جمله کوتاه خلاصه می‌کند.

مباحث فراوان‌تری در علم اقتصاد وجود دارد که در این کتاب به آن‌ها اشاره نشده است. لذا لطفاً به سایت من www.gregip.com سری بزنید. در آنجا فهرست کامل‌تری از منابعی که در این کتاب از آن‌ها استفاده شده است، توصیه برای مطالعات بیشتر، مقالات من و پاسخ به سوالاتی که این کتاب راجع به آن‌ها بحث می‌کند، می‌یابید.

در سال‌های گذشته ما در میان شوک روحی اقتصادی قرار داشته‌ایم اما علم اقتصاد هنوز ابزارهای اساسی را برای درک آن ارائه می‌کند. این کتاب، آن ابزارها را در اختیار شما قرار می‌دهد.